



# تعریف تربیت قرآنی

رویکرد «انس با قرآن»  
جایگزین آموزش روحوانی

«رویکرد انس با قرآن کریم» نیازمند تغییر نظام آموزشی مبتنی بر «رویکرد تربیت‌محور» (یا تأدیبه‌محور) به جای رویکردهای تعلیم‌محور و تدریس‌محور فعلی است. شاید بتوان این فرمایش امیرالمؤمنین در نهج‌البلاغه را جانمایه‌ی چنین رویکردی دانست: «وَلَيْكُنْ سَمِيْرُكَ الْقُرْآنَ»: همدم و مونس تو باید قرآن کریم باشد. (شرح غررالحکم، ج ۵: ۵۱). گاهی سؤال می‌شود چرا غالباً خروجی‌های نظام آموزشی کشور در روان‌خوانی قرآن کریم ناتوان هستند؟ اگر نخواهیم برای پاسخ به این سؤال فرافکنی و مغالطه کنیم، باید بگوییم این نقد وارد است و اصل اشکال هم برمی‌گردد به پافشاری بیش از حد بر تکرار شیوه‌های غلط آموزشی گذشته که در طول زمانی طولانی و در اثر نقدناپذیری، به باور تبدیل شده است. شاید وقت آن رسیده است که با نقد و بررسی مبانی نظری و رویکردهای آموزشی و شیوه‌های تربیتی حوزه‌ی تعلیم قرآن، از خطاهای گذشته عبرت بگیریم: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا خودشان را تغییر ندهند (رعد/آیه‌ی ۱۱).

**کلیدواژه‌ها:** تعلیم، تربیت، تأدیبه، انس با قرآن کریم

## رویکرد «تدریس‌محور»

در نظام غیررسمی کشور و به‌ویژه در حوزه‌ی فعالیت‌های قرآنی، «رویکرد تدریس‌محور» ملاک عمل است. در این رویکرد، نظام آموزشی یک مرتبه از حوزه‌ی قبلی فاصله گرفته است؛ چرا که هم به «دانش مفهومی» و هم به «دانش روشی» توجه دارد. در این نظام آموزگار و روش تدریس مهم هستند. بیشتر بحث‌ها روی شیوه‌های تدریس و آموزش استوارند. جریان آموزش و روند تدریس و یادگیری و نیز توجه کم‌وبیش به فرایند «تفکر» از شاخصه‌های آن است. نمونه‌ی بارز این رویکرد را می‌توان در مراکز تربیت‌معلم، مؤسسات زبان و کلاس‌های کنکور نیز به خوبی ملاحظه کرد. این شیوه نیز با وجود توجه به دانش روشی، باز هم به تربیت انفعالی می‌انجامد، چرا که باز هم فلسفه‌ی علم میناست نه تربیت انسان.

آموزش و فعالیت‌های قرآنی در این شیوه به دنبال نخبه‌گرایی و قهرمان‌پروری و تربیت حافظ و قاری قرآن هستند. در این شیوه تنها افرادی موفق می‌شوند که در یک حوزه‌ی یادگیری زمینه و استعداد ذاتی و درونی دارند. در اساس این رویکرد جنبه‌ی عمومی ندارد، بلکه بیشتر بر تفاوت‌ها و توانایی‌های فردی تکیه می‌کند. نمونه‌ی بارز آن را می‌توان به سادگی در جامعه ملاحظه کرد. قهرمانان قرآنی و علمی ایران در بین سایر کشورها همواره خوش می‌درخشند، اما عموم مردم کشور با سواد قرآنی (حداقل دانش و مهارت پایه) فاصله‌ی معنادار دارند. ادامه‌ی این رویکرد به خروج از بن‌بست فعلی نخواهد انجامید.

## رویکرد «تربیت‌محور»

«رویکرد فطرت‌گرایی توحیدی» برای رسیدن به «مراتبی از حیات طیبه» مهم‌ترین شعار و ادعای سند تحول بنیادین در وزارت آموزش و پرورش است. این هدف آرمانی زمانی امکان تحقق خواهد یافت که از زاویه‌ی تربیت عملی به آن نگریسته شود. یعنی در عمل به آن توجه شود. و گرنه این شعار تاریخی، ۴۰ سال دیگر هم در حوزه‌ی اندیشه باقی خواهد ماند. برای چنین مهمی باید «تربیت» و «تربیت قرآنی» تعریف شود و رویکرد حاکم بر نظام آموزشی را براساس آن ترسیم کرد.

## رویکرد «تعلیم‌محور»

نظام رسمی کنونی کشور تابع «رویکرد تعلیم‌محور» است. در این نظام آموزشی، محتوا (کتاب درسی) و نتیجه‌ی آموزش (نمره‌ی قبولی) مدنظر است، چرا که این رویکرد تنها به دنبال تحقق «دانش مفهومی» است. در این نظام، آموزگار و شاگرد به دنبال حفظ مطالب (تقویت حافظه‌ی کوتاه‌مدت) و کسب نمره در آزمون پایانی هستند. توجه به مدرسه‌های خاص (غیرانتفاعی و دانشگاه‌های برتر) از شاخصه‌های این نظام است. در رویکرد تعلیم‌محور، فلسفه‌ی علم، محور برنامه‌های درسی و آموزشی است. نتیجه‌ی چنین نظامی «تربیت انفعالی» است؛ نظامی که به شدت استعدادکش است و در آن سرنوشت ۱۲ سال تحصیل یک فرد با چند ساعت کنکور مشخص می‌شود. به‌طور طبیعی در چنین نظامی، تعلیم قرآن کریم هم تابعی از آموزش سایر درس‌هاست و نمی‌توان از آن انتظار معجزه داشت. همان‌طور که این انتظار از سایر درس‌ها (فارسی، ریاضی، عربی و انگلیسی) نیز برآورده نمی‌شود.



عناصر و اجزای یک برنامه‌ی درسی و آموزشی را تحت پوشش خود قرار دهد، اولین و اصلی‌ترین گام برنامه‌ریزی است. این امر به ایجاد و تقویت تلقی مناسب عموم مخاطبان (دانش‌آموزان و قرآن‌آموزان) نسبت به موضوع یادگیری قرآن منجر می‌شود. با توجه به اینکه در مدرسه‌ها و نیز بیشتر مراکز و مؤسسات آموزشی، رویکرد آموزش روخوانی قرآن و نیز این اواخر هم گاهی آموزش حفظ قرآن کریم حاکم است، این سؤال مطرح می‌شود که از میان رویکردهای بالا، کدام رویکرد مناسب‌تر است؟ پاسخ، توجه همه‌جانبه به همه‌ی آن‌ها، البته با محوریت انس با قرآن کریم، است.

### رویکرد «انس محور»

در رویکرد انس محور «جامعیت آموزش» مدنظر است؛ یعنی به هر چهار محور ذکر شده‌ی قبلی توجه می‌شود. «تعلیم»، «تدریس»، «تربیت» و «تأدیب» چهار ستون رویکرد انس محور هستند؛ با این توجه که «انس مستمر و مادام‌العمر مخاطبان با قرآن کریم» محور اصلی این رویکرد است. در اهداف مصوب آموزش عمومی قرآن کریم نیز «انس با قرآن کریم» یکی از اهداف نه‌گانه‌ی آموزش عمومی قرآن کریم است.

اما این بدان معنا نیست که این هدف به موازات سایر اهداف است، بلکه باید در همه‌ی اهداف به‌عنوان محور مورد توجه جدی قرار گیرد، زیرا انس با قرآن کریم از همان ابتدا و قدم اول باید مورد توجه قرار گیرد. یعنی باید برای آن برنامه‌ی مشخص و مرتبی داشت، و الا به خودی خود کمتر اتفاق می‌افتد. یعنی واگذاری هدف انس با قرآن به نتیجه‌ی آموزش قرآن به تحقق آن منجر نمی‌شود و برخورد انفعالی با این هدف، نتیجه‌ی انفعالی هم در پی خواهد داشت.

### چیستی «انس با قرآن کریم»

با توجه به مبانی نظری سند تحول بنیادین و رویکرد شکوفایی فطرت‌گرایی توحیدی می‌توان «انس با قرآن کریم» را این‌گونه تعریف کرد: «انجام هر فعالیتی که زمینه‌ی آشنایی، علاقه و ارتباط قرآن آموز با قرآن کریم را فراهم آورد و موجب علاقه‌مندی او به قرآن و یادگیری آن گردد، انس با قرآن کریم محسوب می‌شود.»

طبق این تعریف، هر نوع فعالیت یاددهی - یادگیری باید براساس علاقه و پذیرش قرآن آموز باشد و از اجبار و تحمیل به دور باشد، به همین منظور، تعلیم قرآن درصدد تقویت انس دانش‌آموز با قرآن کریم و علاقه به یادگیری آن است. بر این اساس، تعلیم قرآن می‌تواند در قالب یک یا چند فعالیت یاددهی - یادگیری مانند گوش دادن به قرائت قرآن و الگوگیری از آن، حفظ برخی از سوره‌ها و آیات، روخوانی قرآن، آشنایی با برخی از داستان‌ها و معنای آیات متناسب با درک کودک طراحی شود؛ به شرط آنکه این فعالیت‌ها در چارچوب اصول مندرج در برنامه‌ی درسی انس محور باشد.

### چیستی «تربیت قرآنی»

امام خمینی (ره) فرمودند: «تربیت باید تربیت قرآنی باشد و بچه‌های ما باید تربیت قرآنی بشوند». تربیت در اسلام، اما در دوره‌ی بعد از مدرسه در وهله‌ی اول، نه وظیفه‌ی پدر و مادر و نه وظیفه‌ی آموزش و پرورش و جامعه، بلکه وظیفه‌ی خود شخص است. هر کس باید خودش خودش را تربیت کند. آیات متعددی مؤید این مطلب هستند: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ، إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا». ما راه هدایت را به انسان نشان دادیم؛ یا سپاسگزار خواهد بود یا ناسپاس (انسان/ آیه‌ی ۳). و یا آیه‌ی «فَذَكِّرْ، إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ؛ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (ای پیامبر!) پس تذکر بده که تو تنها تذکر دهنده‌ای. تو بر آنان تسلط نداری. (غاشیه/ آیات ۲۱ و ۲۲).

این مطلب از آن جهت حائز اهمیت است که خداوند برای انسان «اراده» و «حق انتخاب» قائل است. به همین دلیل هم روز قیامت باید پاسخگوی اعمال خود باشد. در این رویکرد، نقش خانواده، آموزگار و مدرسه و اجتماع به دو شکل ارائه می‌شود: «راهنمایی و هدایتگری» و «الگویی». معلم در اتخاذ روش‌های تدریس و ارزشیابی (دانش‌روشی/ متدولوژی) نیز باید به این رویکرد توجه کند. فعالیت‌هایی که بتواند اراده، تفکر و حق انتخاب و در نهایت تربیت را در فرد تقویت نماید.

### جلسات هفتگی قرائت قرآن

به‌عنوان نمونه و برای تقریب به ذهن، جلسات سنتی و هفتگی قرائت قرآن را مثال می‌زنیم. جلسات سنتی قرائت قرآن کریم که از گذشته محور اصلی سایر فعالیت‌های قرآنی بوده‌اند، پیش از آموزش مهارت‌های قرآنی، به دنبال تربیت قرآنی مخاطبان بودند. متأسفانه این نوع جلسات هم به دلیل پرداختن بیش از حد به آموزش‌های حرفه‌ای فنون قرآنی، کم‌وبیش رویکرد تربیتی خود را از دست داده‌اند. امروزه بیشتر فعالیت‌های قرآنی در کشور با رویکرد تدریس محور اداره می‌شود.

### کدام رویکرد مناسب‌تر است؟

انتخاب رویکرد مناسبی که بتواند چون چتری همه‌ی عوامل،